



26 دی 57

حضور چشمگیر زنان مشهد در تظاهرات امروز بهمناسبت اربعین حسینی.

4 بهمن 57

تحصن عده‌ای از بانوان شیروان در اداره مخابرات این شهرستان. این گروه ضمن اعلام همبستگی با امام خمینی، خواستار آزادی زندانیان و محاکمه قاتلان شدند. آیت الله قمی طی تماس تلفنی با نماینده بانوان از آن‌ها خواستند که به خانه‌هایشان بازگردند و این اطمینان داده شد که به خواسته‌های آن‌ها رسیدگی شود.

6 بهمن 57

تشییع جنازه شهید پروین حسینی توسط هزاران نفر از مردم بیرجند و دفن وی در مزار شهدای این شهر.

22 بهمن 57

پیروزی انقلاب اسلامی با تصرف رادیو تلویزیون، ادارات و مراکز نظامی به‌دست مردم.

25 اسفند 57

مردم مشهد از مرد و زن و کودک، به دعوت استاندار جدید خراسان برای پاکسازی شهر اقدام کردند.

29 تیر 58

در پی فرمان امام خمینی مبنی بر شرکت عموم طبقات در امر جهاد سازندگی، گروه‌های مختلف مردم مشهد از زن و مرد عازم روستاهای مشهد شدند.

6 آبان 58

از سوی انجمن اسلامی دانشجویان و دانش‌آموزان مشهد، راهپیمایی ضدآمریکایی از محل دانشگاه به طرف حرم مطهر برپا شد.

23 آذر 58

بانوان مکاتب اسلامی مشهد (عصمتیه، نجس، توحید، پیروان زهرا و اسلام‌شناسی) طی تلگرامی به آیت‌الله شریعتمداری، خواستار انحلال حزب جمهوری خلق شدند.

3 دی 58

نمایشگاه نقاشی‌های سیاسی انقلابی حسین نوری در مکتب نجس بر گزار شد.

18 دی 58

سازمان جدید نهضت سوادآموزی با شرکت جامعه معلمان، جهاد سازندگی و مکتب نجس در اداره کل آموزش و پرورش خراسان تشکیل شد.

17 بهمن 58

نمایشنامه ازدواج در اسلام توسط خواهران عضو انجمن اسلامی سپاه پاسداران در تربت حیدریه به‌روی صحنه رفت.

3 آذر 59

دعوت مکتب عصمتیه مشهد از بانوان برای بافت لباس‌های کاموایی جهت اهدا به رزمندگان.

2 دی 59

برپایی نمایشگاه عکس و پوستر و کتاب به منظور بزرگداشت شهدای 10 دی در دبیرستان تکتم مشهد.

24 دی 60

در آخرین روز از هفته وحدت، هزار نفر از خواهران اهل تسنن و تشیع تربت جام و مهاجران افغانستانی و عراقی از چهارراه مدرس راهپیمایی را آغاز کرده و در حسینیه نصرت گرد آمدند. در این مراسم یک سرود انقلابی و نیز نمایشنامه زنجیر توسط دانش‌پژوهان مکتب نجس اجرا شد.

23 بهمن 60

اجرای نمایش «سردار» کاری از: واحد خواهران سپاه سرخس و نمایش «زیر شکنجه» از گروه هنری واحد خواهران جنگی بنیاد امور جنگ زدگان.

25 بهمن 60

اجرای چند سرود انقلابی توسط خواهران مکتب نجس، در استقبال از خانواده‌های شهدای هفت تیر و کسانی که به دست منافقین ترور شدند و همسر و فرزندان شهید مطهری در فرودگاه مشهد.

2 تیر 62

گروه کثیری از فرهنگیان و دانش‌آموزان شهرستان‌های سبزوار، مشهد، تربت جام و چناران، به منظور شرکت در بازسازی روستاهای دشت آزادگان، عازم این منطقه شدند.

13 بهمن 62

برگزاری اولین جشنواره تئاتر خواهران در دبیرستان سعدی.

10 مرداد 67

گروهی از خواهران مکاتب مختلف مشهد، به منظور بیعت با امام و حمایت از رزمندگان، در حالی که کفن‌پوش شده بودند با تجمع در منزل آیت الله شیرازی، خواهان اعزام به جبهه شدند.

11 مهر 67

گروهی از زنان بخش مرزی سرخس طی یک راهپیمایی و با دادن شعارهایی چون «ما می‌رویم به جبهه، امام زنده بماند» و... آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام کردند.

به کوشش: مرضیه‌ناکری منبع: تقویم تاریخ خراسان، غلامرضا جلالی و روزنامه خراسان



محمده آرمین، علاوه بر آثار قلمی همچون «شب و الفجر»، «ای کاش گل سرخ نبود»، «روزی که همه خورشید مرد» و «خیمه‌سواران نقش» ، دکترای روانشناسی زنانه و در تقاضای استفاده از این نامند.

2/ داستان زنانه تاریخ، در «ای کاش گل سرخ نبود»

## زندگی با طعم مبارزه

مهلا مسیح‌پور

از منظر علاقه به تاریخ می‌توان آدم‌ها را به دو دسته تقسیم کرد، آدم‌هایی که به تاریخ علاقه‌مندند و آدم‌هایی که از تاریخ متنفرند، دسته سومی هم وجود ندارد. اما درباره نیاز به تاریخ تنها یک دسته آدم وجود دارد: آدم‌هایی که به تاریخ نیاز دارند! اما مسلمان‌می‌توان همه آدم‌ها را به خاطر نیاز غیر قابل انکارشان به تاریخ که از نیاز به تجربه‌اندوزی نشأت می‌گیرد، به خواندن کتاب تاریخی مجبور کرد! با این همه نوعی از کتاب‌ها وجود دارند که نه تاریخی‌اند و نه صرفاً داستانی، بلکه روایتی است میان این دو، روایتی انسانی در بستری از زمان واقعی که تاریخ می‌نامندش. «ای کاش گل سرخ نبود» در زمره این کتاب‌هاست.

کتاب روایتی است از زندگی دختری به نام گلر، در بستر تاریخی سال‌های آغازین کشف حجاب تا سال‌های نزدیک به زمان اکنون، پس داستان پیش از هر چیز روایتی زنانه از تاریخ است. داستان زنی که در طول این دوره پرفراز و نشیب تاریخی، برای زندگی‌اش می‌جنگد. گلر، گل‌رخ، گلستان، انسیه، محبویه، اشرف‌سادات، طاهره وزن‌های دیگری که در داستان «منیژه آرمین» زندگی می‌کنند، بسیار واقعی‌اند، زن‌هایی‌اند که در حساس‌ترین برهه‌های تاریخی مملکتی زیسته‌اند و با قحطی و گرسنگی و بیکاری همسران و بیماری کودکان‌شان دست و پنجه نرم کرده‌اند؛ اما گلر، شخصیت اصلی داستان، زنی است با تفاوت‌های روشن.

شخصیت خاکستری گلر، عشقش به یک افسر ارتش پهلوی، کشف حجابش علی‌رغم میل پدر، رفتن به سراغ موسیقی و در نهایت پیوند کوتاه‌مدت اما پر از حادثه و تلاطم به حزب کمونیست، زندگی او را از دیگران متمایز کرده است. گویی گلر برای نویسنده نماینده زنی است میان دو دنیا، و شاید در حال عبور از دنیایی به دنیای دیگر، گلری که می‌داند یکی از نزدیکانش برای مبارزه با اقدامات رضاخانی در باب تغییر کلاه در مسجد گوهرشاد به شهادت رسیده اما باز هم به خاطر همسرش مهدی حاضر به برداشتن حجاب می‌شود، به خاطر او تار به دست می‌گیرد و نوازنده می‌شود، حتی پس از مرگ مهدی، او را در کالبد فرزندشان سپهر زنده می‌بیند و به خاطر انتقام از رژیم برای مرگ مهدی به تشکیلات مبارزان چپ می‌پیوندد و به‌تدریج توخالی‌بودن شعارهای رفقای کمونیستش را درمی‌یابد.

هر چند نویسنده مستقیماً خواننده را درگیر وقایعی مثل جنگ جهانی یا درگیری‌های جبهه ملی و کودتای 28 مرداد و حتی انقلاب نمی‌کند - و شاید لطف کار هم به همین غیرمستقیم‌گویی باشد که کتاب را از شعارزدگی و سیاسی‌شدن مصون کرده است - اما به هر حال این امتیاز ویژه را دارد که خواننده را به دورانی می‌برد که این وقایع روی داده‌اند، به موازات روایت زندگی گلر، داستان‌هایی از آدم‌هایی دیگر نیز به تصویر کشیده می‌شود که دست کمی از روایت اصلی ندارند. تضاد میان نسل‌ها و آدم‌ها و همچنین فضا سازی درمورد آدم‌ها، لباس‌ها و خانه‌ها و سبک زندگی، علی‌رغم ریتم تند داستان، بسیار باورپذیر است.

شاخصه اصلی داستان آرمین روایت یک زن -نویسنده- است از داستان زندگی زنی در بستر تاریخ مستند یک کشور؛ تاریخی که معمولاً مردانه می‌بینندش و مردانه می‌نویسندش. با این همه عصاره این زندگی پرغدغه، فاطمه است، دختری که پس از شهادت مانی -برادر گلر- پا به زندگی می‌گذارد و بی‌شک خود داستانی دارد که در آینده باید نوشته شود.